

### اشاره

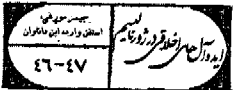
*مانامه رواق هنر و اندیشه* در ادامه تلاش جهت باز کردن فضای گفتگویی جدید درباره موضوعات مرتبط با رسانه، بحث اخلاقی و رسانه را در قالب مقالات ترجمه پیگیری می‌کند. مقاله پیش رو به بررسی تعارض بین بیان حقیقت و مقتضیات زندگی مدنی، با تأکید بر تعارض بین خدمتگزاری به کشور خویش و گزارش حقیقت به صورت هرچه کامل‌تر و مستقل‌تر می‌پردازد. این نوشتار کوتاه برای درک اولویت‌های اخلاق و رسانه ابتدای قرن بیستم و یکم و همچنین آگاهی از دغدغه‌های اساتید و پژوهشگران دانشگاهی آمریکا نیز غنیمت است...

### درآمد

در این مقاله به بررسی تعارض بین بیان حقیقت و مقتضیات زندگی مدنی<sup>۱</sup>، با تأکید بر تعارض بین خدمتگزاری به کشور خویش و گزارش حقیقت به صورت هرچه کامل‌تر و مستقل‌تر می‌پردازیم. ما به این بحث می‌پردازیم که اصل بیان حقیقت در ژورنالیزم نسبت به ترویج ارزش‌های شهروندی، از جمله وطن‌پرستی کوتاه‌بینانه، در اولویت قرار می‌گیرد. حتی در زمان جنگ، ژورنالیزم مسئولیت‌گرا<sup>۲</sup> نباید اجازه دهد که وطن‌پرستی کوتاه‌بینانه از تعهد و التزام آن به بیان حقیقت بکاهد. ژورنالیست‌ها می‌توانند با اتخاذ دیدگاه وطن‌پرستی دموکراتیک به بهترین نحو ممکن نقش شهروندی خویش را ایفا کنند. ما به این نتیجه‌گیری می‌رسیم که اگر سازمان‌های خبری اولویت بیان حقیقت را بپذیرند، گزارشگران را در واحدهای نظامی به مأموریت نخواهند فرستاد<sup>۳</sup> و اگر دست به چنین عملی‌زندی، دارای التزام اخلاقی هستند تا اقدامات احتیاطی در خصوص تحریریه در پیش گیرند.

۱. Civic در معنای لنوی مطلق مدنی است. در این مقاله مقصود الزامات حاصل از تلقی خاطر به یک کشور و الزامات شهروندی است. بنابراین این لغت به شهروندی نیز ترجمه شده است. (م)

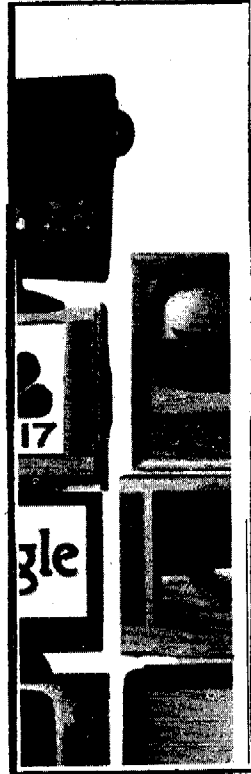
2. Responsible Journalism Embed در ژورنالیزم به معنای آن است که به طور رسمی ژورنالیزم مأمور شود تا در زمان جنگ با یک واحد نظامی سفر کند و آزادانه به ارائه هر گزارشی که امنیت ملی را به خطر نمی‌افکند، بپردازد. (م)



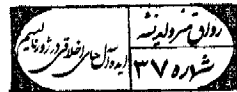
آیا WMD مخفف تسلیحات کشتار جمعی است یا مخفف کلماتی برای فریب عموم مردم؟ هنگام سیخ نیروهای آمریکایی جهت حمله به عراق، طی جنگ و پس از آن، اغلب حقیقت نخستین قربانی بود. رسانه‌های جمعی نیز اظهارات رسمی مبنی بر این که عراق تسلیحات کشتار جمعی در اختیار دارد، را بی‌درنگ پذیرفتند. سازمان‌های خبری مهم آمریکایی نیز بسیار مایل بودند تا دست به طول و تفصیل یک افسانه حماسی ولی کاملاً ساختگی درباره سرخوخه جسیکا لینچ<sup>۵</sup> بزنند. ایستگاه‌های رسانه‌ای مهم با شور و شوق تمام گزارشگران خود را در واحدهای نظامی مأمور می‌کردند، بدون آن که ذره‌ای به حفظ استقلال آن‌ها در پوشش اخبار جنگ بیندیشند. در این مقاله با تأکید بر تعارض بین «خدمتگزار کشور خویش بودن» و «گزارش حقیقت به صورت هرچه کامل‌تر و مستقل‌تر بودن»، به بررسی تعارض چندوجهی بین بیان حقیقت و مقتضیات زندگی شهروندی می‌پردازیم. در بخش نخست مقاله به بررسی این موضوع فلسفی می‌پردازیم که آیا در ژورنالیسم اصل بیان حقیقت بر دیگر اصول از جمله کاهش آسیب‌هایی که ممکن است گزارشگری بر افراد، گروه‌ها یا حکومت داشته باشد، تقدم می‌یابد. در بخش دوم به بررسی رابطه پر دردسر بین وطن‌پرستی و ژورنالیسم بیانگر حقیقت می‌پردازیم. در بخش پایانی به انتقاد از اقدامات سازمان‌های خبری مبنی بر مأمور کردن گزارشگران خود در واحدهای نظامی ارتش آمریکا در جنگ با عراق می‌پردازیم.

#### حقیقت یا پیامدهای شهروندی؟

امروزه ژورنالیسم به دنبال رسوایی‌های بی‌شمار که افشاکننده افسانه‌بافی و جانبداری در گزارشگری است و منجر به کاهش جدی مقبولیت عام رسانه‌های خبری گردیده است، با کیفرخواستی دو قسمتی روبه‌رو است. نخست آن که ژورنالیست‌ها متهم به قصور در - اگر نگوئیم تخریب - دموکراسی هستند و دوم آن که آن‌ها متهم به خیانت به حقیقت هستند. هیچ یک از این اتهامات چیز جدید یا تعجب‌برانگیزی نیست. از آن‌جا که ژورنالیست‌ها این داعیه را دارند که نقش مهمی در ایجاد شهروندان فعال و آگاه ایفا می‌کنند، از برخی سرزنش‌ها مبنی بر افزایش



4. WMD= Weapons of Mass Destruction or Words of Mass Deception  
5. Private Jessica Lynch



بدبینی عمومی نسبت به سیاست و نهادهای دموکرات گریزی ندارند. به همین ترتیب، از آن جا که ژورنالیست‌ها این ادعا را نیز دارند که جوایز حقیقت هستند و آن را دقیقاً گزارش می‌کنند، هنگامی که سَمبَل کاری، جانبداری یا حتی بدتر، فریبکاری عامدانه در پیش می‌گیرند با انتقادهای گزنده‌ای روبه‌رو می‌شوند. با این حال، آن چه منتقدان ژورنالیسم در نظر نمی‌گیرند آن است که ژورنالیست‌ها با این تصور که می‌توانند هم‌زمان فضیلت شهروندی و یکپارچگی فکری را دنبال کنند، خود را به تزلزل دچار می‌سازند. در واقع ژورنالیست‌ها با هدف قرار دادن فضیلت شهروندی و یکپارچگی فکری، اغلب به هیچ یک دست نمی‌یابند.

برخلاف تأکیدی که بر ارزش استقلال در بیان حقیقت وجود دارد، برخی ژورنالیست‌ها و منتقدین رسانه‌های خبری بر این مسئله توافق دارند که بیان حقیقت تنها به صورت ابزاری دارای ارزش است؛ زیرا ارزش‌های شهروندی را تقویت می‌کند. مشکل موجود بر سر راه حقیقت‌جویی کاملاً ابزاری یا عمدتاً ابزاری آن است که هنگامی که حقیقت‌جویی ارزش‌های شهروندی خاصی را تقویت نمی‌کند، یا جایی که ممکن است یک گزارش صادقانه پیامدهای منفی به بار آورد، ممکن است ژورنالیست دچار این احساس شود که میل به بیان حق را کنترل کند. فهرست ارزش‌های شهروندی که ممکن است بر ژورنالیسم بیانگر حقیقت تأثیر داشته باشد، گوناگون است. این فهرست شامل چنین مواردی است: میل به خدمتگزاری به کشور خویش، حمایت از سربازان خودی در نبرد، در نظر گرفتن منفعت عمومی جامعه، رشد همبستگی اجتماعی، ایجاد شهروندان مستقل، پیشبرد منافع اقلیت که دچار تبعیض هستند.

رویکرد کلی مبتنی بر آن که بیان حقیقت به طور عمده (یا تنها) ابزاری برای زندگی مدنی پایدار است، می‌تواند به عنوان مثال در نوشته‌های مربوط به جنبش ژورنالیسم شهروندی که در دهه ۱۹۹۰ در ایالات متحده آمریکا شکل گرفت، یافت شود. در این رویکرد، ژورنالیست‌ها باید به عنوان کاتالیزوری برای مشارکت شهروندان در مسائل مهم عمل کنند و این را تضمین کنند که زندگی مدنی به خوبی پیش رود. اگر به خوبی به شهروندان یک دموکراسی در خصوص اخبار



سیاسی مربوطه آگاهی بخشی صورت نگیرد، نمی‌توانند حق حاکمیت خود را اعمال کنند و قادر به ایفای نقش در شکل‌دهی به تصمیمات سیاسی نخواهند بود. وظیفه اصلی ژورنالیست‌ها حمایت از حاکمیت مردم و دموکراسی شورایی است.

هر چند چیزهای بسیاری برای تحسین این ایده‌آل وجود دارد ولی خطر ژورنالیسم شهروندی زمانی آشکار می‌گردد که بیان حقیقت در تعارض با ارزش‌های شهروندی قرار گیرد. به عنوان مثال اگر ژورنالیسم دارای این انگیزه باشد که از برخی گروه‌های حقیقت‌جو حمایت کند یا همبستگی اجتماعی را افزایش دهد، آیا نباید حقیقتی که به ضرر این گروه‌هاست را گزارش کند؟ آیا باید از ارائه گزارش‌هایی که ممکن است منجر به کشمکش میان گروه‌های قومی یا نژادی گردد، اجتناب کند؟ به نمونه دیگری توجه کنید: اگر گزارش‌های منفی درباره فعالیت‌های سیاسی احتمالاً سبب شود شهروندان نسبت به مشارکت سیاسی دچار یاس گردند، آیا باید بیان حقیقت به خطر افتد؟ ممکن است شرایط بسیاری وجود داشته باشد که سبب شود حقیقت محض به شیوه‌های مختلف ارزش‌های شهروندی را تحلیل برد یا سرکوب کند. اگر حقیقت مربوط به سیاست‌های ما بیش از اندازه ظریف، بیش از اندازه مایوس‌کننده و تاسف‌بار یا بیش از اندازه زشت و شرم‌آور باشد، ممکن است شهروندان با بدبینی، بی‌علاقگی و انزوای سیاسی خود بهتر به آن واکنش نشان دهند. افشای واترگیت از طریق بیگانه‌سازی بسیاری از شهروندان جوان نسبت به سیاست، به نحوی به دموکراسی آسیب رساند. فلسفه‌های شهروندی ژورنالیسم، فلسفه‌هایی که ارزش‌های شهروندی را در اولویت قرار می‌دهند و حقیقت را به ابزار تبدیل می‌کنند، اغلب از روی سادگی تصور می‌کنند ژورنالیست‌ها می‌توانند از طریق ارائه اطلاعات ساده به شهروندان آن‌ها را آگاهی بخشند. همان گونه که گانتر (۲۰۰۳) بیان می‌کند:

تنها ارائه اطلاعات به آن‌ها [شهروندان] نمی‌تواند آن‌ها را تبدیل به شهروندان آگاه کند؛ برای نمونه ممکن است مردم از طریق اطلاعات‌جویی و بهره‌گیری از آن و شاید از طریق آمیختن آن با آن‌چه در حال حاضر می‌دانند، ملزم به مشارکت گردند.

یک شهروند آگاه و مطلع بودن، فرد را تبدیل به شهروندی فعال نمی‌کند. بسیاری از مردم در سیاست نقش یک تماشاچی را ایفا می‌کنند. آن‌ها خواهان آگاهی هستند ولی نه خواهان فعال بودن. عکس آن نیز امکان‌پذیر است؛ بسیاری از شهروندان فعال شهروندانی آگاه نیستند و بسیاری از فعالان انگیزه کمی دارند تا به دنبال اطلاعاتی روند که حمایتگر جنبش آن‌ها نیست.

مشکل دیگر در تبدیل بیان حقیقت به ابزاری برای اهداف کلی‌تر شهروندی آن است که ممکن است دیگر ابزارهای دارای مقبولیت کمتر همان هدف را برآورده کنند. لزوماً بین اطلاعات حقیقی و افزایش دغدغه‌های شهروندان (یا میل به درگیر شدن در موضوعی) هیچ پیوندی وجود ندارد. ممکن است اطلاعات دروغ از جمله گزارش‌های مهیج دربارهٔ میل طبیعی برخی اقلیت‌های نژادی به انجام تبهکاری خشونت‌آمیز یا گزارش جانبدارانه دربارهٔ پیشینهٔ فعالیت‌های محیط‌زیستی یک شرکت بزرگ نسبت به یک گزارش دقیق و متعادل بر شهروندان اثرات بیشتری داشته باشد. بنابراین ممکن است ژورنالیسم که به دنبال ایفای نقشی همانند کاتالیزور است، به این وسوسه دچار گردد که اطلاعات تحریف‌شده یا جانبدارانه بفرستد تا حداکثر تأثیرگذاری ممکن به دست آید. در این صورت، بی‌اعتنایی ناخوشایندی نسبت به حقیقت در کسوت عشق اصیل به دموکراسی ظاهر می‌گردد.

اگر قرار باشد این اصول اخلاقی از سوی دیگر اصول به خطر نیفتد یا مغلوب نگردد، ضروری است ژورنالیست‌ها بینش متعهدانه‌تری نسبت به ارزش بیان حقیقت در پیش گیرند. همچنین ضرورت ایجاد مفهومی مناسب از ژورنالیسم جویای حقیقت نیز دارای اهمیت است، به گونه‌ای که دارای این پیش‌فرض نباشد که در اغلب موارد، ژورنالیسم معادل دانش علمی یا حقیقت راسخ است. اگر چیزی حقیقت نداشته باشد یا از سوی شواهد به خوبی تأیید نگردد، نمی‌توان گفت انسان‌ها به معنای اخص شناخت، از آن آگاهی و اطلاع خواهند داشت. به هر حال، بسیاری از آن‌چه ژورنالیست‌ها گزارش می‌کنند بیش از اندازه سرسری و آنی است و بیش از اندازه خارج از زمینه و شرایط قرار دارد، به گونه‌ای که نمی‌توان آن را به عنوان آگاهی حقیقی تعریف کرد.

ژورنالیست‌ها در تلاش برای کسب آگاهی باید با ضرب‌الاجل‌های روزمره، محدودیت‌های جمع‌آوری اطلاعات، فریبکاران رسانه‌ای و ناهمگونی ادعاهای متناقض از سوی گروه‌های رقیب دست‌وپنجه نرم کنند. ژورنالیست‌ها هنگام جنگ با محدودیت‌های بیشتری روبه‌رو هستند. موانع جنگی در مناطق جنگی و ماشین‌های پروپاگاندايي حکومت گزارشگران را هدف قرار می‌دهد. ژورنالیست‌ها از نظر شناخت‌شناسی با موقعیتی متزلزل روبه‌رو هستند. جست‌وجوی حقیقت توسط ژورنالیست‌ها یک تلاش دشوار، به تدریج تکامل‌یابنده و جایز‌الخطا است که به تدریج حقیقت از دروغ و شایعه از شواهد متمایز می‌گردد. حقیقت ژورنالیسم یک چیز بی‌ثبات است که مانند یادگیری، بصورت استلاگمیت<sup>۶</sup> در یک غار، به مرور زمان قطره‌قطره شکل می‌گیرد. جای هیچ تعجب نیست که ژورنالیست‌ها مایلند حرفه خود را به جای توجه بر اساس بیان حقیقت بر پایه شهروندی حفظ کنند.

حتی اگر ژورنالیسم نتواند به شناخت یا حقیقت دست یابد، پیشه‌ساختن فضیلت‌های جست‌وجوی حقیقت برای ژورنالیست‌ها اهمیت دارد. این فضیلت‌ها چه هستند؟ صداقت دارای اهمیت است؛ زیرا پیش‌شرط اعتماد بین ژورنالیست‌ها و مخاطبان آن‌هاست. مخاطبان برای اشتباه، اغراق و حتی جانبداری جایی باز می‌کنند ولی نمی‌توانند این را تحمل کنند که توسط ژورنالیست بی‌صداقتی که چیزی گزارش می‌کند که خود به آن باور ندارد، به بازی گرفته شوند. با این حال صداقت شرط کافی برای حقیقت نیست. اگر انسان‌ها صادقانه سخن دروغی را باور کنند، می‌توانند مخلصانه آن را گزارش کنند. علاوه بر صداقت، ضروری است فضائل دقت نیز در فضائل حقیقت‌جویی گنجانده شوند؛ صحت، پایداری و کامل بودن. با این حال این فضائل هنوز کفایت نمی‌کنند؛ زیرا فرد می‌تواند در منفعت‌طلبی و ایدئولوژی متعصبانه دارای صحت، پایداری و کمال‌گرایی باشد. بنابراین وظیفه‌شناسی صادقانه در طلب حقیقت نیازمند فضائل بالاتری است؛ از جمله بی‌طرفی، تواضع، شجاعت و شوق به پیگیری حقایق در جایی که پنهان هستند. در ژورنالیسم برای جست‌وجوی حقیقت تنوع منابع و اجتناب از مفهوم محدود تعادل ضروری

۶ Stalagmite ستون مخروطی‌شکل که در سقف غارها شکل می‌گیرد و پس‌مانده قطرات آب است. (م)

است. هنگامی که حقیقت ناشناخته و مورد اختلاف است، ژورنالیست‌ها باید اغلب به ارائه تعادل بین دیدگاه‌ها بپردازند. در بسیاری موارد، ارائه تعادل به ارائه گزارشی کورکورانه تنزل می‌یابد که تنها دو جناح درگیر در یک مسئله و اغلب دو دیدگاه جانبدارانه سیاسی را در برمی‌گیرد. همان گونه که برخی سیاستمداران همواره دیدگاه‌های اقلیت، در حاشیه و افراطی را نادیده می‌گیرند، برخی ژورنالیست‌ها نیز دست به چنین اقدامی می‌زنند. ممکن است برای تنظیم رقابت‌های انتخاباتی بین تنها دو جناح مهم، دلایل سیاسی خوبی وجود داشته باشد ولی هنگام جست‌وجوی حقیقت بررسی تنها دو دیدگاه (و اغلب دو دیدگاه متعلق به جریان اصلی) نابه‌جاست. این احتمال وجود دارد که تنها دیدگاه‌های افراطی و در حاشیه دست به بررسی فرض‌هایی که هر دو جناح سیاسی به صورت مشترک دارند، بزنند. این تصور که حقیقت تنها از برخورد تنها دو دیدگاه سیاسی، جمهوری خواه یا دموکرات، پدیدار می‌گردد به طرز مخاطره‌آمیزی ساده‌لوحانه است.

هنگامی که بیان حقیقت با ایده‌آل‌های شهروندی در تعارض قرار می‌گیرند، چه دلایلی وجود دارد که تقویت‌کننده انتخاب بیان حقیقت باشد؟ نخست بحث بر سر تخصص است. اکثر ژورنالیست‌ها نمی‌توانند ادعا کنند که در زمینه ماهیت و ترویج ارزش‌های شهروندی دارای مهارت هستند. هر چند برخی ژورنالیست‌ها در حوزه خود دارای تخصص هستند ولی اغلب آن‌ها طی مطالعات فشرده به این رشته رسیده‌اند و متخصصان فوری مهیا شده<sup>۷</sup> هستند. بنابراین آن‌ها باید تا حد ممکن در بازه زمانی شدیداً محدود، فضائل پژوهشگرانه<sup>۸</sup> صحت، دقت، کامل بودن، تواضع روشنفکرانه، بی‌طرفی و شجاعت را کسب کنند. ضروری است که آن‌ها گزارش‌های خود را با بهترین شیوه‌ها و استانداردهای موجود اثبات صحت مورد آزمون قرار دهند.

بحث دوم بر سر خطای تخمین در اثرات گزارش‌های خبری است. به جز زمان جنگ و حالت‌های فوق‌العاده داخلی، ژورنالیست‌ها اغلب در موقعیتی نیستند که به صورت دقیق نسبت به پیامدهای مدنی کار خود قضاوت کنند. پیش‌بینی اثرات حتی عادی‌ترین گزارش‌ها دشوار است. شایسته‌تر آن است که ژورنالیست‌ها در وهله اول هدف خود را بیان حقیقت قرار دهند تا این که



۷ Short-order صفی است که برای غذاهای با طعم فوری به کار می‌رود. (م)



توجه خود را به برخی پیامدهای به صورت مبهم درک شده در آینده معطوف کنند. در صورتی ارزش‌های دموکراتیک به بهترین نحو حاصل می‌شوند که از ژورنالیست‌ها بخواهیم بدون آن که پیشاپیش ضررها یا منفعت‌های وارده به کشور خویش را محاسبه کنند، جوایب حقیقت باشند. در نهایت بحث بر سر جهانی‌شدن رسانه‌های خبری است. در ژورنالیسم اولویت دادن به ارزش‌های شهروندی به معنای آن است که جهانی را مجسم کنیم که در آن ژورنالیست‌ها در وهله اول به کشور و جماعت ملی خویش تعلق خاطر داشته باشند. این در حالی است که همه ما امروزه عمدتاً اخبار را از صنعت رسانه‌ای جهانی شده دریافت می‌کنیم که فاقد هر گونه تعلق خاطر خاص به جماعت‌های سیاسی ملی هستند. بسیار مضحک است که انتظار داشته باشیم یک ژورنالیست BBC اهل هند ارزش‌های شهروندی آمریکایی را ترویج دهد. امروزه که گزارش‌های خبری دارای پیامدهایی هستند که بسیار فراتر از مرزهای ملی کشیده می‌شوند، فلسفه شهروندی کوتاه‌بینانه ژورنالیسم با رسانه‌های خبری جهانی ناسازگار است. این امکان وجود دارد که ژورنالیسم جهانی و جهان‌وطنی در مقایسه با ژورنالیسم دارای تعلق خاطر به ارزش‌های شهروندی ملی گزارش‌های خبری موثقی‌تری ارائه دهد. برای رسانه‌های جهانی یا ملی تعلق خاطر راسخ به بیان حقیقت، با وجود پیچیدگی‌های آن، به عنوان بهترین اصل اساسی ژورنالیسم مسئولیت‌گرا باقی می‌ماند.

### مشکلات وطن‌پرستی

در ژورنالیسم، تعارض بین بیان حقیقت و ارزش‌های شهروندی در زمان درگیری و ناامنی آشکار می‌گردد. سازمان‌های خبری تحت فشار شدید اجتماعی قرار می‌گیرند تا به صورت کاملاً غیرانتقادی و وطن‌پرستانه گزارش‌های خود را ارائه کنند. در این شرایط، وطن‌پرستی تنها یک علاقه دلسوزانه برای کشور فرد نیست. این ضرورت به وجود می‌آید که رسانه‌های خبری به حمایت از سیاست‌های حکومت، نهادهای آن، یا رهبران و سردمدارانش بپردازند. اگر رسانه‌های خبری به این ضرورت تن دردهند، ژورنالیسم به پرویگاندا آلوده می‌شود. خبرهای بد به حداقل

کاهش می‌یابند. گزارش‌های اغراق‌آمیز دربارهٔ فجایع میدان نبرد و قهرمانان کشور خود به چندین برابر می‌رسند. بیان حقیقت دچار آسیب می‌شود.

حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به خوبی نشان دادند که وطن‌پرستی همچنان یک تاثیر عمده بر ژورنالیسم است که منجر به تعارض بین ژورنالیسم به عنوان ارتباطگر بی‌طرف و ژورنالیسم به عنوان شهروند وطن‌پرست می‌گردد. سازمان‌های خبری آمریکا که با یک سردرگمی ملی حاصل از ترس و خشم روبه‌رو شده بودند، تحت فشار شدید قرار گرفتند تا به حمایت از جنگ رییس‌جمهور علیه تروریسم بپردازند. در مصاحبه‌ای با شرکت کانادایی بخش برنامه،<sup>۸</sup> از دن راتر،<sup>۹</sup> گویندهٔ خبر CBS پرسیده شد که آیا تماشای پوشش جنگ علیه تروریسم از سوی آمریکایی‌ها همانند تماشای ژورنالیست‌هایی است که مشتاقانه تیم فوتبال کشور خود را حمایت می‌کنند. وی پاسخ داد:

بله! و اگر نگوییم حقیقتاً چنین است، به اعتقاد من چنین است. قطعاً به نحو قابل فهمی چنین است. هر چند حوادث ۱۱ سپتامبر همهٔ چیزها را دچار دگرگونی نکرد ولی برخی چیزها را دگرگون کرد و برخی چیزهای بنیادین مربوط به ژورنالیسم آمریکایی را متحول کرد. به اعتقاد من از جملهٔ آن‌ها، پوشش عملیات‌های نظامی در افغانستان بود. ارتش آمریکا از امتیاز هر گونه تردید و ناپاوری بهره گرفت. وزارت دفاع از این ناپاوری‌های مضاعف در کنترل هر چه بیشتر غیرنظامی‌ها بهره جست و احتمالاً نیاز به ارائهٔ دلایل کمتری بود. من یک آمریکایی هستم. من یک گزارشگر آمریکایی هستم. من شدیداً تلاش می‌کنم که ارتش ما پیروز گردد و تعریف پیروزی هر چه می‌خواهد، باشد. من این را بدون هیچ گونه توجیهی بیان می‌کنم. ولی من یک ژورنالیست حرفه‌ای نیز هستم. من مایلم کارگزار صادق اطلاعات باشم ولی هم‌چنین خواهان آن هستم که یک وطن‌پرست نیز باشم.

راتر با صراحت تمام سردرگمی یک ژورنالیست بین وطن‌پرستی و ژورنالیسم صداقت‌پیشه را بیان کرد. با این حال آراء وی آزاددهنده است؛ زیرا آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که ژورنالیست‌ها

8. Canadian Broadcasting Corporation (CBS)
9. Dan Rather



می‌توانند بیان حقیقت را به خطر اندازند.

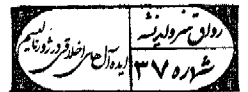
رابطه واقعی بین ژورنالیسم و شهروندی وطن پرست چیست؟ آیا نوعی از وطن پرستی وجود دارد که با دموکراسی‌های مدرن و ژورنالیسم سازگار باشد؟ وطن پرستی چیست و آیا جانبداری یک حُسن است یا عیب؟ و آیا منشأ بحث‌های فلسفی و سیاسی است.

وطن پرستی دموکراتیک، عشق به پاتریا<sup>۱۱</sup> است که به صورت جمهوری مسلم فرض شده است، نه بصورت عشق به سرزمین مادری یا تعلق خاطر به یک گروه فرهنگی خاص. این تفسیری مدرن از وطن پرستی جمهوری خواه است که تاریخ آن به دولت‌شهرهای رنسانس باستان و در نهایت به دوران باستان روم بازمی‌گردد. وطن پرستی دموکراتیک عشق به اصول، قوانین، نهادها، و مقررات یک جمهوری با شهروندان مستقل و آزاد است. این جمهوری بیشتر به دلیل مشخصات فیزیکی‌اش یا به این دلیل که ظاهراً در زبان، فرهنگ یا نژاد برترین است، چندان دوست‌داشتنی نیست. این جمهوری به این دلیل ستایش می‌شود که کشوری است که امکان داشتن شهروندان بهره‌مند از حقوق را دارد که نسبت به ایده‌آل‌های آزادی متعهد باشند. وطن پرستی دموکراتیک نوعی وطن پرستی سازگار با دیدگاه سیاسی است که راولز<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۳) آن را لیبرالیسم سیاسی می‌نامد. وطن پرست دموکراتیک نسبت به نهادهای لیبرال فراگیر که امکان شکوفایی کثرت‌گرایی عقل‌پذیر فلسفه‌های زندگی را فراهم می‌آورد، پایبند است.

وطن پرستی دموکراتیک به عنوان یک رویکرد و احساس فراگیر، مهارشده و با قابلیت ارزیابی عقلانی است. این نوع وطن پرستی معیارمحور است.<sup>۱۳</sup> وطن پرستی دموکراتیک به این دلیل فراگیر است که درباره آزادی همه شهروندان سخن به میان می‌آورد. نسبت به دیگر مردمان بیگانه‌ستیز نیست. وطن پرستی دموکراتیک عاری از هر گونه خشونت منسوب به ملی‌گرایی و اشکال افراطی وطن پرستی است. پذیرای دلیل و برهان بودن دارای اهمیت حیاتی است؛ زیرا وفاداری یک احساس طاقت‌فرسا و مستعد سوءاستفاده است. وطن پرستی باید توسط دیگر اشکال وفاداری که به طور منطقی فرد را متعهد می‌کنند، مهار گردد. وطن پرستی باید یک رویکرد «دارای حساسیت

## 10. Patria 11. Rawls

۱۲. ناتانسن (۱۹۹۳) در اثر خود با عنوان وطن پرستی، اصول اخلاقی و صلح خطوط کلی وطن پرستی معیارمحور و تبدیل‌یافته را مشخص ساخته است. وطن پرستی معیارمحور از کشور فرد انتظار دارد برخی ارزش‌ها و ضابطه‌ها را ادا کند. این اقدام سبب می‌شود آن کشور ارزش وفادار ملندن و افتخار به آن را کسب کند مک‌اینتایر (۱۹۸۴) و دانکنویست (۱۹۸۳) به بحث درباره این موضوع پرداخته‌اند که وطن پرستی ملاک‌محور - آنچه دانکنویست وطن پرستی بی‌طرفانه می‌نامد - نمی‌تواند یک وطن پرستی حقیقی باشد؛ زیرا وفاداری به کشور خویش بر اساس سرسپردگی خاص به آن کشور به عنوان متعلق به خویش قرار دارد. وطن پرستی نمی‌تواند وفاداری به اصول اخلاقی انتزاعی باشد. وطن پرستی دموکراتیک این را رد نمی‌کند که وطن پرستی احساسی است که بر اساس این واقعیت مشروط قرار دارد که این کشور من است. با این حال این نوع وطن پرستی بر این نکته تأکید می‌کند که این نوع وفاداری باید مانند دیگر وفاداری‌ها در معرض ارزیابی و انتقاد قرار گیرد.



نسبت به داوری»<sup>۱۳</sup> باشد و پذیرای نیروی برهان و حقایق. پذیرای برهان بودن به این دلیل دارای اهمیت است که همواره پیشاپیش مشخص نیست که کدام اقدامات وطن‌پرستانه هستند و می‌توانند به بهترین نحو ترویج‌دهنده جمهوری با شهروندان آزاد باشند.

پذیرای برهان بودن به معنای آن است که هر گونه کشش به سمت وطن‌پرستی برای حمایت از سیاست‌های نظامی یا خارجی یک کشور به وسیله سه معیار کلی مورد داوری قرار گیرد. نخستین معیار آن است که این ادعای حمایت از سیاست‌های نظامی یا خارجی یک کشور باید در برابر بازرسی دقیق مستمر عمومی مصون ماند. دوم آن که این سیاست‌ها باید با روابط منصفانه میان کشورها سازگار باشد. سوم آن که این سیاست‌ها نباید از اصول اخلاقی و حقوق بین‌الملل، به ویژه اصول حقوق بشر تخطی کند. چنین ارزش‌سنجی‌ای تنها در حوزه عمومی‌ای امکان‌پذیر است که همگانی باشد و مطبوعات آزاد بی‌طرف به آن اطلاع‌رسانی کنند.

تنها طی یک قرن اخیر بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در جنگ‌ها کشته شده‌اند که در بحبوحه بوق و کرنای وطن‌پرستانه و مطبوعات وطن‌پرست صورت گرفته است. تولستوی (۱۹۸۷) این وطن‌پرستی افراطی را شدیداً به باد انتقاد گرفته است:

بر اثر این تمایل شدید (به وطن‌پرستی) دریا‌های خون جاری شد و باز نیز بر اثر آن جاری خواهد شد، مگر آن که مردمان خود را از شر این یادگار منسوخ عهد باستان خلاص کنند. (ص. ۱۲۲)

هشدار تولستوی ارزشمند است ولی تحلیل وی اشتباه است. راه چاره حذف وطن‌پرستی نیست. بلکه در مقابل، باید یک گفتمان عمومی وطن‌پرستانه دموکراتیک تعدیل‌یافته رواج یابد که اشکال مستبدانه‌تر و افراطی‌تر را از درجه اعتبار ساقط کند.

### وطن‌پرستی دموکراتیک و ژورنالیسم

با در نظر گرفتن این بحث و بررسی مختصر، شروع به بررسی رابطه پیچیده بین ژورنالیسم و شهروندی وطن‌پرستانه می‌کنیم. برای رسیدن به بینشی عمیق در خصوص این رابطه نباید



کارکرد مهم‌تر دموکراتیک ژورنالیسم را از نظر دور داشت. ژورنالیست دارای نقش دموکراتیک متفاوت از نقش دموکراتیک شهروندان است. هر یک از افراد به عنوان شهروند و وطن‌پرست، دارای وظایف و حقوق معینی هستند. همگی شهروندان دارای حق رای‌دهی، تاثیرگذاری بر سیاست عمومی، پرداختن به فعالیت‌های سیاسی، زندگی در چهارچوب قوانین حقوقی و... هستند. وطن‌پرستی دموکراتیک با خود تعهدات بیشتری به همراه دارد به گونه‌ای که شهروندان عطوفت خاصی نسبت به جمهوری در دل بپرورانند و آماده دفاع از ارزش‌های آن شوند. با این حال هنگامی که فردی ژورنالیسم را پیشه می‌کند در برابر مجموعه‌ای از اصول و وظایف اضافی و مشخص دارای تعهد است که ممکن است با فعالیت‌های وی به عنوان شهروند در تعارض باشد. این وظایف مشخص بر پایه عهد و پیمان اجتماعی ژورنالیست با عموم مردمی که خدمتگزارشان است، قرار دارد. از طریق این عهد و پیمان است که عموم مردم (یا جامعه) آزادی‌های خاصی به مطبوعات اعطا می‌کنند و انتظار می‌رود که ژورنالیست‌ها از سر مسئولیت‌پذیری دست به انجام مجموعه‌ای از وظایف اجتماعی عام‌المنفعه زنند.

یکی از مهم‌ترین وظایف روزنامه‌نگاران آن است که به شیوه‌ای متفاوت از شیوه سخن گفتن ارتباطگران جانبدار، حمایتگران اجتماعی، ماموران اعمال نفوذ یا کارشناسان روابط عمومی با مردم سخن گویند. ژورنالیسم حرفه‌ای یک فعالیت سازمان‌یافته و از نظر اجتماعی تصدیق شده است که از منظر بی‌طرفانه منفعت عمومی برای عموم مردم، با عموم مردم ارتباط برقرار می‌کند. این نوع ژورنالیسم خدمتگزار بهزیستی دموکراتیک شهروندان به عنوان یک کل است. نمی‌توان ژورنالیسم را به انتشار داده‌ها، شایعه‌ها یا پروپاگاندا فروکاست. ژورنالیسم انتشار بی‌طرفانه و تحلیل حقایق بسیار مهم برای یک جامعه سیاسی مستقل است. ژورنالیسم باید «نوع خاصی از عملکرد دموکراتیک» باشد. این نقش بسیار مهم مستلزم آن است که ژورنالیست‌ها نپذیرند در برابر مقتضیات مبنی بر حمایت غیرانتقادی از جنگ یا حکومت، تسلیم شوند. این نقش مستلزم آن است که ژورنالیست‌ها نقش خود در بیان حقیقت را ایفا کنند و استقلال خود از حکومت را حفظ



کنند. وظیفه آن‌ها ارائه اطلاعات عینی و تحلیل‌های انتقادی برای بررسی‌های دموکراتیک است. حتی در زمان ناامنی نیز ژورنالیست‌ها دارای این وظیفه هستند که هم‌چنان اخبار، تحقیق‌ها و تحلیل‌های بحث‌برانگیز و دیدگاه‌های چندگانه ارائه کنند. آن‌ها نباید انتقادهای خود را خفه کنند و باید شک‌گرایی نسبت به کلیه منابع را حفظ کنند. ضروری است ژورنالیست‌ها ریشه‌های مشکلات کشور خویش را کاویده و شرح دهند و با خونسردی تهدیدهای ادعاشده را ارزیابی کنند. هر چند ممکن است ژورنالیست به طور مشترک در هدف وطن‌پرستان در خدمت‌رسانی به عموم مردم مشارکت داشته باشد ولی زمانی می‌تواند به بهترین نحو به عموم مردم خدمت کند که هم‌چنان به شیوه‌های انتقادی و منطقی به آن‌ها آگاهی‌رسانی کند. اگر ژورنالیسم به این تصمیم برسد که شرایط ایجاب می‌کند که وی به ارتش ملحق گردد یا یک ارتباط‌گر جانبدار گردد، باید حرفه خود به عنوان ژورنالیست را رها کند.

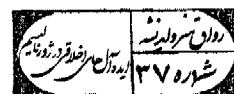
نقش دموکراتیک ژورنالیسم تقریباً این اجتناب‌ناپذیری را به وجود می‌آورد که بین این‌که شخص چگونه به عنوان ژورنالیست عمل کند و این‌که شخص چگونه به عنوان یک شهروند وطن‌پرست عمل کند، تعارض به وجود آید. هنگامی که کشوری تصمیم می‌گیرد وارد جنگ گردد، بنا به دلایل امنیتی آزادی‌های مدنی را نفی کند یا قانون اساسی را نادیده بگیرد تا آشوب داخلی را سرکوب کند، ارزش‌های دموکراتیک ژورنالیسم در تضاد با ضرورت‌های وطن‌پرستی قرار می‌گیرد. در این شرایط برخی اعضای حکومت یا جمهوری از سازمان‌های خبری می‌خواهند که پشتیبان آمریکا باشند.<sup>۱۴</sup> این تعارض بین نقش‌های ژورنالیست و شهروند با این‌که کمتر منوط به نوع وطن‌پرستی مورد بحث خواهد بود یا این‌که بیشتر خواهد بود. اگر گرایش به سمت وطن‌پرستی دموکراتیک، آن گونه که پیش‌تر تعریف گردید، باشد، این تعارض کمتر رخ خواهد داد؛ زیرا هم‌پوشانی قابل ملاحظه‌ای میان ایده‌آل‌ها و ارزش‌های وطن‌پرستی دموکراتیک و ژورنالیسم وجود دارد. بنابراین یک وطن‌پرست و یک ژورنالیست در چندین موضوع عمومی در جناح مشابهی قرار می‌گیرند. هر دوی آن‌ها طرفدار اطلاعات دقیق و بدون جانبداری، آزادی بیان،

۱۴. یک پیمایش افکارسنجی در جولای ۲۰۰۳ توسط مرکز Pew برای مطبوعات و افراد نشان داد که ۷۰٪ آمریکایی‌ها اعتقاد دارند که اگر سازمان‌های خبری یک رویکرد طرفدار آمریکا در پیش گیرند بسیار خوب است با این حال، ۶۴٪ نیز حامی پوشش بی‌طرفانه جنگ بودند. قابل دسترسی در [www.pew.org](http://www.pew.org)

رسانه‌های خبری انتقادی و حوزه عمومی با دیدگاه‌های متنوع هستند. هر دوی آن‌ها از تامین آزادی، شفاف‌سازی در مسائل عمومی، ارزیابی خردمندانه گرایش به سمت وطن‌پرستی حمایت می‌کنند.

به هر ترتیب اگر کشش به سمت وطن‌پرستی افراطی باشد، این تعارض حاد خواهد بود. وطن‌پرستی افراطی تا حد زیادی با ژورنالیسم دموکراتیک ناسازگار است؛ زیرا این نوع وطن‌پرستی گرایش به حمایت از اعمال محدودیت‌های سختگیرانه بر تحریریه مطبوعات دارد یا فشارهایی بر ژورنالیست‌ها تحمیل می‌کند تا نسبت به حقیقت شیوه‌ای غیر انتقادی، جانبدارانه یا بیانی موجز در پیش گیرند. با این حال حتی جایی که وطن‌پرستی دموکراتیک مورد تردید قرار گیرد، فضایی برای تعارض به وجود خواهد آمد. هنگامی که کشوری برای جنگ بسیج می‌شود یا از حملات تروریستی نجات می‌یابد، ممکن است وطن‌پرستان دموکراتیک نیز احساس کنند که روزنامه‌نگار باید از شدت بیان حقیقت بکاهد و بیشتر وطن‌پرست گردد.

این دیدگاه اخلاقی مبنی بر آن که نقش دموکراتیک ژورنالیسم مستلزم وظایف خاصی نسبت به بیان حقیقت به صورت انتقادی و بی‌طرفانه است، تفکرات دان راتر نسبت به وطن‌پرستی را رد می‌کند. نقش ژورنالیست‌ها آن گونه که دان راتر «تلاش برای پیروزی ارتش‌مان» بیان کرد، نیست. نقش آن‌ها این نیست که به ارتش «منفعت هر گونه ناپاوری» را بدهند. نقش ژورنالیست‌ها آن است که به صورت انتقادی آن‌چه ارتش و دولت در حال انجام است و جایی که عموم مردم را با خود می‌کشند، مورد بررسی قرار دهند. نقش ژورنالیسم این نیست که با خودداری از انتشار گزارش‌های مربوط به کیسه‌های حاوی جنازه افراد، روحیه عمومی مردم را بالا نگه دارد. نقش ژورنالیسم این نیست که دشمن را دیو جلوه دهد یا در گزارش‌های مربوط به قهرمانان اغراق کند. وظیفه هر یک از ژورنالیست‌ها آن است که هم‌چنان کارگزار ایده‌آل اطلاعات باشند و به خاطر اتهام مرسوم وطن‌پرست نبودن یا ترس از سرزنش اجتماعی منحرف نگردند. اگر ژورنالیست‌ها نقش دموکراتیک بسیار مهم خود را رها کنند، قادر نخواهند بود به عموم مردم



کمک کنند تا به صورت سنجیده سیاست عمومی را ارزیابی کنند. اگر ژورنالیست‌ها احساسات قدرتمند وطن‌پرستی را کنار نگذارند، ممکن است میل خوش‌نیتانه آن‌ها برای وطن‌پرستی به دستکاری افکار عمومی کمک کند. از این حیث حق با دان راتر بود. ژورنالیست‌ها به عنوان شهروند نمی‌توانند نسبت به اقدامات تروریسم یا سرنوشت کشور خویش بی‌تفاوت باشند. با این حال ژورنالیست‌ها باید هوشیار باشند که کسی احساسات صادقانه آن‌ها را به بازی نگیرد. در تیرگی و ابهام جنگ، حقیقت نخستین قربانی است. در ژورنالیسم، وطن‌پرستی کورکورانه یا تعلق خاطر سست‌بنیاد به بیان حقیقت بر این ابهام و تیرگی می‌افزاید.

### گزارشگران مامور شده: دسترسی یا وابستگی؟

مسئله مامور کردن گزارشگران در واحدهای نظامی همگی مسائل بررسی‌شده در بخش‌های پیشین را به همراه دارد. هنگامی که گزارشگران یا سازمان‌های خبری مامور شدن در واحدهای نظامی را تقاضا می‌کنند، ممکن است نتوانند نسبت به بیان حقیقت آن گونه که اصول اولیه اخلاقی‌شان است، پایبند بمانند. ممکن است حس وطن‌پرستی سبب شود ژورنالیست‌ها مامور شده از نظر روان‌شناختی با واحدهای نظامی خود همذات‌پنداری کنند و بدین طریق، خواسته یا ناخواسته، گزارش‌های جانبدارانه ارسال کنند.

در تاریخ آمریکا تصمیم سیاسی هبئی بر مامور کردن گزارشگران در بین نیروهای جنگی ارتش آمریکا در عراق منحصر به فرد است. صدها ژورنالیست رسانه‌های چاپی و تلویزیونی، از سازمان‌های خبری احزاب محافظه‌کار یا لیبرال، مصراانه متقاضی شرکت در این برنامه بودند. آن‌ها بسیار مشتاق بودند جنگ را برای ملتی تحت پوشش خبری قرار دهند که در جریان کیفرخواست حوادث ۱۱ سپتامبر مظلوم واقع شده بودند. نکته درخور توجه به ویژه برای کسانی که خارج از حوزه ژورنالیسم قرار دارند، محدود بودن بحث بین ژورنالیست‌ها درباره تضاد احتمالی منافع برای گزارشگران مامور شده است. این رویه بر خلاف اصول اخلاقی مربوط به استقلال و عینی‌گرایی ژورنالیسم است. این اصول برای این ادعا که مطبوعات رکن چهارم حکومت هستند،



کاملاً ضروری است.<sup>۱۵</sup> مطبوعات به عنوان ناظران مستقل بر قدرت سیاسی در نظر گرفته می‌شوند که برای حفظ استقلال خود از حکومت دارای حقوق و مسئولیت‌هایی هستند.

جنگ با فشار عاطفی خود بر روح و روان ملی، بار سنگینی بر دوش ژورنالیست‌ها قرار می‌دهد تا این استانداردهای بیان حقیقت را حفظ کنند. در واقع، این بر عهده ژورنالیست‌ها است که حقایق را گزارش کنند که دیدگاه‌های حمایتگر از جنگ را تغییر دهد. با توجه به وابستگی عموم مردم به رسانه‌های خبری، مسئولیت گزارش این حقایق که مورد توجه مردم قرار نگرفته است، بسیار ضروری است. کاپیوس (۲۰۰۲) بیان کرده است که:

آمریکایی‌ها به این منظور به مطبوعات توجه می‌کنند تا بتوانند اطلاعاتی به دست آورند که برای انتخاب‌های سیاسی آگاهانه ضروری است. (ص. ۱۹۷)

با این حال این اطلاعات اغلب توسط نیروهای سیاسی شکل داده می‌شوند. از نظر تاریخی آن نیروهای سیاسی، بخش قابل ملاحظه‌ای از پوشش خبری را شکل داده‌اند. آن‌ها این اقدام را توسط گزارشگرانی انجام داده‌اند که گزارش‌هایی فرستاده‌اند که آغشته به ارائه میزان اغراق‌آمیز تلفات و تعیین اولویت‌های سیاسی اغواکننده یا همانند فروریختن بمب‌های اتمی بر هیروشیما و ناکازاکی، آغشته به مفتون تکنولوژی‌شدن به جای توجه به ضرورت‌های اخلاقی جنگ بوده است. به دست آوردن حمایت عمومی برای حمله به عراق در سراسر دنیا چالش عظیمی پیش روی دولت بوش قرار داد. توجیه حمله به کشور خودمختار عراق زیر سوال بود. با این حال، ژورنالیست‌های آمریکایی به اندازه کافی به ارائه گزارش درباره چنین نقض آشکار حقوق بین‌الملل نپرداختند. بسیاری از سازمان‌های خبری از جمله شبکه FOX News، به این آمادگی عمومی برای حمایت از دولت بوش در جنگ علیه تروریسم دامن زدند. اگر دولت و رهبران ارتش آمریکا تنها به این دلیل برنامه مامور کردن گزارشگران را با دقت هرچه تمام‌تر رواج داده و اجرا می‌کردند که پوشش خبری دلخواه آن‌ها از حمله صورت گیرد، در این صورت سازمان‌های خبری باید رویکرد انتقادی‌تری نسبت به این مامور کردن گزارشگران در پیش می‌گرفتند. در سی‌ام اکتبر ۲۰۰۲، با قطعی شدن آمادگی برای حمله به عراق، وزیر دفاع آمریکا، دونالد رامسفیلد، برنامه مامور

۱۵. اولین بار اسموند بزرگ نماینده پارلمان انگلیس مطبوعات را رکن چهارم دموکراسی در کنار سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه نامید. (م)

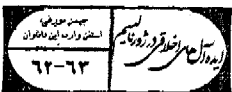
کردن در واحدهای نظامی در جنگ علیه عراق را اعلام کرد. با در نظر گرفتن این که رامسفلد پیش‌تر بیان کرده بود که درز اطلاعات محرمانه به ژورنالیست‌ها جرم جنایی است و مستحق زندانی شدن است، این اقدام وی بسیار تعجب‌برانگیز بود. با توجه به این پیشینه، شاید درک این نکته ساده‌تر باشد که چگونه این وزارتخانه به این نتیجه رسید که آموزش رسانه‌ها به صورت فشرده در یک روز و در کنار جنگجویان به ایفای وظیفه پرداختن، «درز اطلاعات محرمانه از طریق رسانه‌های خبری آمریکا و بیگانه به شبکه تروریستی القاعده را کاهش می‌دهد».

ضروری بود ژورنالیست‌هایی که برای برنامه مامور شدن در واحدهای نظامی انتخاب می‌شوند در یک برنامه آموزشی یک هفته‌ای شرکت کنند تا با اصول اولیه جنگ، با تمرکز خاص بر تسلیحات هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی آشنا شوند. هر چند این آموزش در ایجاد توانایی اولیه در جنگ به قدر کافی جامع بود ولی یک دوره یک‌هفته‌ای نمی‌تواند ابزارهای اصلی برای آمادگی در میدان جنگ را در اختیار یک ژورنالیست قرار دهد. ضعف‌های این برنامه مامور کردن گزارشگران سبب شد برخی گزارشگران از جمله رابرت جنسن<sup>۱۶</sup> نسبت به آن هشدار دهند. به اعتقاد جنسن هنگامی که ژورنالیست پایگاه وزارت دفاع آمریکا در خط مقدم جنگ را می‌پذیرد، استقلال حرفه خویش را با دسترسی به اطلاعات معامله کرده است. هنگامی که ژورنالیست‌ها به ارائه گزارش درباره سربازانی می‌پردازند که مسئول حفظ جان ژورنالیست‌ها هستند، مفهوم بی‌طرفی تهدید می‌شود. جنسن محو شدن این خطوط را با مثالی از شبکه خبری CBS در ۱۹ مارس نشان می‌دهد که در آن جیم آکسلیرد<sup>۱۷</sup> که در پیاده‌نظام سوم مامور شده بود و به بحث درباره جلسه توجیهی ضد اطلاعات که در آن شرکت کرده بود می‌پرداخت، گفت:

به ما دستوراتی داده شد.

وی که متوجه شد چه گفته است، کلمات خود را تصحیح کرد. به هر ترتیب این لغزش‌های زبانی اتفاقاتی رایج در سراسر جنگ هستند که تلویحا بیانگر خطرات ذاتی ناشی از مامور کردن گزارشگران در واحدهای نظامی هستند؛ بی‌طرفی ژورنالیسم در برابر کشش روان‌شناختی به سمت همبستگی گروهی و امنیت آسیب‌پذیر است. از طرفی، وزارت دفاع آمریکا سازمان‌های خبری

16. Robert Jensen  
17. Jim Axelrod



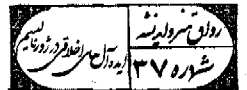
مهمی را انتخاب کرد که ممکن بود مطلوب‌ترین پوشش خبری از مناطقی که در آن مامور شده بودند، ارائه کنند. هنگامی که از رامسفلد درباره این اقدام پرسیده شد، وی گفت:

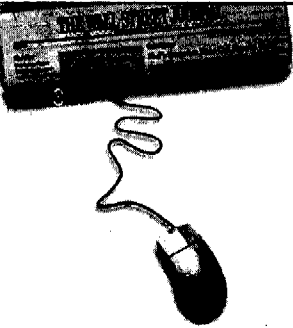
این موضوع برای من بسیار کم‌ارزش است که به آن توجه کنم... این موضوع زیر صفحه نمایشگر رادار من است. من به این موضوع توجه نمی‌کنم که چه کسی انتخاب می‌شود، چه کسی کنار گذاشته می‌شود، چه کسی این کار را می‌کند و چه کسی آن کار را می‌کند. من اصلاً اطلاعی ندارم.

ممکن است وزیر دفاع چیزی نداند که چه کسی انتخاب می‌شود و چه کسی کنار گذاشته می‌شود ولی این فرآیند به وضوح اتفاقی نبوده است. پایگاه‌های خط مقدم جنگ به سازمان‌های خبری مهم مانند NBC و واشنگتن‌پست تقدیم می‌شود ولی برخی سازمان‌های خبری که کمتر به چشم می‌آیند مانند مادر جونز<sup>۱۸</sup> و نشریه‌های دارای گرایش چپ امکان این دسترسی را ندارند. این برنامه توسط اداره امور استخدامی وزارت دفاع آمریکا و تحت نظارت برابان وایتمن<sup>۱۹</sup> و ویکتوریا کلارک<sup>۲۰</sup> طراحی شد و در بخش استراتژی اداره پنجم وزارت دفاع آمریکا<sup>۲۱</sup> توسط کارکنان ارتش که کاملاً نسبت به قدرت تاثیر مطبوعات بر افکار ملی نسبت به جنگ آگاه بودند، مورد نظارت قرار گرفت. در سند اطلاعاتی غیرمحرمانه‌ای که در تاریخ ۲۴ مارس ۲۰۰۳ توسط سرهنگ جبری سالیوان<sup>۲۲</sup> انتشار یافت، وزارت دفاع آمریکا موضع خود نسبت به مامور کردن را مشخص کرد. نکات کلیدی این سند بیانگر این واقعیت بود که به اعتقاد بسیاری از مردم آمریکا «رسانه‌ها از سوی وزارت دفاع آمریکا انتخاب می‌شوند و بخشی از عملیات پروپاگاندایی تحت حمایت مالی دولت ایالات متحده آمریکا هستند». از طرف دیگر گزارش یک صفحه‌ای سالیوان شامل این دیدگاه محافظه‌کارانه نیز می‌شد که رسانه‌های آزاد «تنها به این دلیل اصرار دارند که در واحدهای نظامی مامور شوند تا اهداف این ائتلاف را ناکام گذارند و بر آن غلبه کنند». (ص. ۱)

این دو رویه افراطی توسط اکثر آمریکایی‌ها، که با توجه به گزارش از این پوشش خبری شبانه‌روزی خسته شده بودند، مورد نظارت قرار می‌گرفت. وزارت دفاع آمریکا امیدوار بود از طریق تجربه مامور کردن گزارشگران در واحدهای نظامی درک عمومی بهتری نسبت به تجارب

18. Mother Jones
19. Bryan Whitman
20. Victoria Clarke
21. DOD's J-5 Strategy Division
22. Colonel Jerry Sullivan





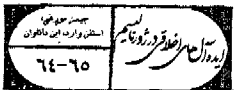
سربازان در جنگ حاصل شود و عملیات‌های نظامی از منظر گزارشگران تاییدات بیشتری کسب کند. وزارت دفاع آمریکا هم‌چنین امیدوار بود که شاهد افزایش جذب نیرو در ارتش باشد و از طریق گزارشگری مامور شده در واحدهای نظامی روابط خود با دیگر کشورها را بهبود بخشد. وزارت دفاع آمریکا هم‌چنین از چندین مسئله ترس داشت: درز احتمالی اطلاعات، بدبینی مضاعف نسبت به دولت و رسانه‌های تحت حمایت مالی آن، کینه‌توزی میان برخی کارکنان ارتش نسبت به گزارشگرانی که مورد عنایت خاص وزارت دفاع آمریکا هستند. با وجود احتیاط‌های لازم، وزارت آمریکا این تصمیم را پذیرفت که با امید کسب منفعت بیشتر در برابر زبان‌های احتمالی، گزارشگران را در واحدهای نظامی مامور کند. این تغییر رویه برای پرسنل فعال ارتش که به صورت سنتی رسانه‌های خبری را ابزارهای غیر قابل اطمینان بیان حقیقت در نظر می‌گرفتند، تاریخی و عظیم بود.

گزارشگرانی که برنامه‌مأمور شدن را امضا کردند، نسبت به محدودیت‌هایی بر گزارشگری خود موافقت کردند. برخی ژورنالیست‌ها از جمله *برنارد ساو*<sup>۳۳</sup> یکی از گزارشگران سابق جنگ خلیج [فارس]، در مصاحبه تلویزیونی خود با CNN مشکل مأمور شدن در واحدهای نظامی را چنین تشریح کرد:

به اعتقاد من این رویه که ژورنالیست‌ها خود را تحت چتر حمایتی ارتش آمریکا قرار دهند، بسیار خطرناک است. فکر می‌کنم ژورنالیست‌هایی که می‌پذیرند با واحدهای نظامی همراه شوند در عمل تبدیل به گروگان‌های ارتش می‌شوند که می‌توانند سبب کنترل جنبش ژورنالیستی گردد، و مهم‌تر آن که می‌تواند توانایی آن‌ها برای بایگانی کردن گزارش‌های‌شان را کنترل کند.

به علاوه گزارشگرانی که جنگ عراق را پوشش خبری می‌دادند، تحت فشار زمان اینترنتی بودند و گزارش‌ها را بدون توجه کافی به بررسی حقایق یا نکات معتبر در اینترنت قرار می‌دادند. به هر ترتیب، مردم آمریکا با چیزی روبه‌رو بودند که رامسفلد آن را «تکه‌ای از جنگ» نامید. تام روزنشتایل<sup>۳۴</sup> پوشش جنگ را چنین توصیف کرد:

23. Bernard Saw  
24. Tom Rosensteil



بسیار حکایت‌وار، هیجان‌انگیز و در عین حال کسل‌کننده، رزم‌محور، اغلب زنده و ویرایش‌نشده. اغلب آن فاقد شرایط و زمینه است ولی در شرح جزئیات معمولاً غنی است.

هنگامی که برخی گزارشگران از خطوط تعیین‌شده در گزارشگری تخطی کردند و جزئیات آرایش نظامی، محل دقیق، تعداد مشخص نیروها، تعیین هویت تلفات پیش از خوب‌آوندان نزدیکشان را گزارش کردند از مناطق جنگی در عراق بیرون کشیده شدند. موضوع حائز اهمیت این است که چگونه تعداد محدودی از گزارشگران از این ممنوعیت‌های وزارت دفاع آمریکا علیه آشکارسازی این جزئیات تخطی کردند. در بین گزارشگرانی که طی جنگ دچار درس‌های ارتش آمریکا شدند، قابل ذکرترین عبارتند از *پیتر آرت*،<sup>25</sup> *جرالدو ریورا*،<sup>26</sup> *فیلیپ اسماکر*<sup>27</sup> که جزء گزارشگرانی بودند که حاضر نشدند در واحدهای نظامی مامور شوند.

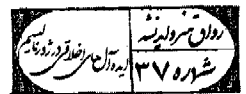
خودتنظیمی<sup>28</sup> به جای سانسور نظامی، هنجاری برای بیش از ۶۰۰ ژورنالیست مامور شده در واحدهای نظامی بود. به علاوه دولت بوش به شدت نسبت به گزارشگرانی که پرسش‌های سیاسی بی‌ملاحظه مطرح می‌کردند واکنش نشان می‌داد؛ برای نمونه، طی حمله به عراق، *میکائیل وولف*،<sup>29</sup> منتقد رسانه‌های *مجله نیویورک*، در جلسه اطلاع‌رسانی سنت‌کام (یگان مرکزی ایالت متحده آمریکا<sup>30</sup>) از *تربال وینسنت بروکس*<sup>31</sup> مجموعه‌ای از پرسش‌های بیایی پرسید:

من اصلاً قصد اهانت ندارم ولی گزاره ارزشی شما چیست؟ چرا ما این‌جا هستیم؟ چرا باید بمانیم؟ ما در این مرکز مطبوعاتی میلیون دلاری به دنبال یادگیری چه ارزشی هستیم؟

بروکس پاسخ داد:

شما به اراده خود این‌جا هستید و اگر برای شما رضایت‌بخش نیست، به خانه برگردید. خطرات گزارشگری مامور شده علاوه بر از دست رفتن استقلال و بی‌طرفی آن است که به دیگر شکل‌های ژورنالیسم پشت می‌کند. گزارشگران جنگ دیگر مفسران دقیق اطلاعات نیستند. آن‌ها به مجرای انسانی برای جریان بی‌وقفه بخش‌هایی از شرایط، تصاویر، صداها و اظهارنظرهای

25. Peter Arnett
26. Geraldo Rivera
27. Phillip Smucker
28. Self-regulation
29. Michael Wolf
30. United States Central Command (CENTCOM)
31. Vincent Brooks



عجولانه تبدیل می‌شوند. طی هیجان جنگ، سازمان‌های خبری فراموش می‌کنند که ژورنالیسم چیزی بیش از بخش‌های خبری هیجان‌برانگیز از سوی گزارشگران مامور شده است. ژورنالیسم باید به تشریح آنچه دیده‌شده، بپردازد، به پرسش و تحقیق و تفحص بپردازد، اطمینان حاصل کند که گزارش خبری جامع دارای تنوع دیدگاه و صدا ارائه می‌کند. گزارش خبری خوب به تحقیق و تفحص درباره دلایل و پیامدها می‌پردازد. این نوع ژورنالیسم باید ادعاهای تردیدآمیز و مختصرسازی‌های صورت گرفته از سوی هر دو جناح به عنوان پروپاگاندا را مشخص سازد.

در حال حاضر و در آینده نزدیک، مامورشدن در واحدهای نظامی تبدیل به بخشی از گزارشگری جنگ آینده خواهد شد. بنابراین ضروری است سازمان‌های خبری این مسائل اخلاقی مهم را به بحث گذارند: آیا مامور شدن منافع عمومی را تامین می‌کند؟ آیا با اصول ژورنالیسم سازگار است؟ آیا سازمان‌های خبری در آینده گزارشگران را مامور خواهند کرد؟ هیچ ژورنالیستی که به ژورنالیسم آزاد و مستقل اعتقاد دارد، نباید نسبت به پذیرش بی‌چون و چرای محدودیت‌های اعمالی بر ژورنالیست‌های مامور شده احساس راحتی کند.

در این مقاله گزینه ترجیحی آن است که هر جا ممکن است، استفاده از گزارشگران مامور شده را کنار بگذاریم. با این حال، اگر یک سازمان خبری تصمیم بگیرد که گزارشگران خود را در واحدهای نظامی مامور جمع‌آوری خبر کند، این التزام اخلاقی وجود دارد که در تحریریه خود رویه‌هایی در پیش گیرد که از اثرات منفی احتمالی این مامور شدن بکاهد. مامور شدن هیچ مسئولیتی در پی ندارد و برای اطمینان از پوشش متنوع، جامع و دقیق باید هر گونه تدبیری اندیشیده شود. برخی تمهیدات مهم مربوط به تحریریه برای مامور کردن سازمان‌های خبری عبارتند از:

✓ ژورنالیست‌های غیرمامور شده را منصوب کنند: سازمان‌های خبری که ژورنالیست‌های خود را مامور می‌کنند، باید برای درگیری‌ها ژورنالیست‌های یک‌طرفه‌ای (غیرمامور شده) نیز تعیین کنند.

✓ شرایط را ارائه کنند: حقایق پراکنده مربوط به گزارش‌های حاصل از مامورشدن در واحدهای نظامی را با استفاده از منابع متنوع و کارشناسان تشریح کنند. به دنبال گزارش‌هایی باشند که با گزارش‌های مامورشدگی در تعارض باشد یا آن را متعادل کند. از تحلیل گرانی استفاده شود که حمایتگر جنگ نیستند.

✓ با شک‌گرایی به تحریر مطالب بپردازند: گزارش‌های رسمی، اعداد و ارقام ارائه‌شده توسط هر یک از طرفین را با شک‌گرایی بررسی کنند.

✓ چهره انسانی جنگ را نشان دهند: گزارش‌های مربوط به تکنولوژی‌های جنگی را با پوشش غیر نظامیان کشته‌شده در جنگ، مصدومان یا آواره‌شدگان بر اثر این تکنولوژی‌ها متعادل کنند.

✓ از معرکه‌گیری بپرهیزند: گزارش‌های مامورشدگی مانند دیگر گزارش‌های خبری دارای استانداردهایی باشد. از پرگویی وطن‌پرستانه، زبان نظامی افراطی، مصاحبه‌های پوچ با قهرمانان جنگ، زبان جانبدارانه و آن‌ها بپرهیزند.

✓ گزارشگران مامورشده را مورد نظارت قرار دهند. جابه‌جایی یا عزل گزارشگرانی که شدیداً با واحدهای نظامی خود هم‌ذات‌پنداری می‌کنند را از نظر دور ندارند.

✓ رک‌گو و صریح باشند: در خصوص محدودیت‌های تحریری به عموم مردم توضیحات آشکار (و مداوم) ارائه کنند. اطلاعاتی که پیش از شروع درگیری ممنوع شده بود را پس از آن به سرعت منتشر کنند.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله ما این نکته را مورد تأکید قرار دادیم که آینده ژورنالیسم مستقل و مدافع منافع عمومی در فضای سیاسی کنونی منوط به تأکید مجدد بر اولویت اصل بیان حقیقت است. ضرورت تأکید مجدد بر بیان حقیقت با استفاده از به خطر افتادن این اصل طی پوشش اخیر جنگ علیه تروریسم، از جمله حمله به عراق و افغانستان و درگیری‌های ادامه‌دار در عراق نشان داده شده



است. تاثیر مخرب وطن پرستی به طور کلی و گزارشگری مامور شده به طور خاص مسئولیت‌هایی بر دوش ژورنالیست‌ها قرار می‌دهد تا به بازنگری تعهد خود نسبت به ژورنالیسم مستقل و بی‌طرف بپردازند و نقش خود به عنوان رکن چهارم حکومت را از یاد نبرند. با این حال، سازمان‌های خبری باید اقدامی بیش از تاکید صرف بر این اصل در پیش گیرند. ضروری است که آن‌ها استانداردهای پوشش جنگ را به روشنی برای گزارشگران خود و برای عموم مردم بیان کنند، تعیین کنند که چگونه نسبت به برنامه مامور کردن گزارشگران خود در آینده واکنش نشان می‌دهند.

• این مقاله با نام:

**Ethical Ideals in Journalism: Civic uplift or Telling the Truth**

از منبع زیر برداشت و ترجمه شده است:

**Journal of Mass Media Ethics, 21(4), 2006**

منابع

1. Burns, R. (2002, July 19). Pentagon probes news leaks on Iraq. *Associated Press*. Retrieved April 28, 2006, from <http://foi.missouri.edu/bushinfopolicies/pentagonprobes.html>
2. Bushell, A., & Cunningham, B. (2003). The road to war, being there. *Columbia Journalism Review*, 2, 18–21.
3. *CBC evening news* [Television broadcast]. (2002, March 12). Toronto, Ontario, Canada: Canadian Broadcasting Corporation.
4. Carey, J. (2000). Some personal notes on US journalism education. *Journalism: Theory, Practice and Criticism*, 1, 14–24.
5. Cottingham, J. (1986). Partiality, favouritism and morality. *The Philosophical Quarterly*, 36(144), 357–373





6. Eksterowicz, A., & Roberts, R. (Eds.). (2000). *Public journalism and political knowledge*. Lanham, MD: Rowman and Littlefield.

7. Fallows, J. (1996). *Breaking the news: How the media undermine American democracy*. New York: Pantheon.

8. Fishkin, J. (1991). *Democracy and deliberation: New directions for democratic reform*. New Haven, CT: Yale University Press.

9. Gans, H. (2003). *Democracy and the news*. Oxford, England: Oxford University Press.

10. Gertz, B., & Scarborough, R. (2003). *Notes from the Pentagon*. Retrieved January 31, 2003, from <http://www.gertzfile.com/gertzfile/ring013103.html>

11. Honohan, I. (2002). *Civic republicanism*. London: Routledge.

12. Jensen, R. (2003, January 3). Why viewers should beware in wartime. *The Valley News*, p. A8.

13. Katovsky, B., & Carlson, T. (2003). *Embedded: The media at war in Iraq*. Guilford, CT: Lyons.

14. Klaidman, S., & Beauchamp, T. (1987). *The virtuous journalist*. Oxford, England: Oxford University Press.

15. Kovach, B., & Rosenstiel, T. (2001). *The elements of journalism*. New York: Crown.

16. Kuypers, J. (2002). *Press bias and politics*. Westport, CT: Praeger.

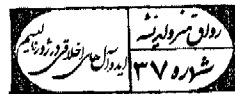
17. MacIntyre, A. (1984). *Is patriotism a virtue? The Lindley Lecture*. Lawrence: University of Kansas Press.

18. Mermin, J. (1999). *Debating war and peace*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

19. Merritt, D. (1995). *Public journalism and public life: Why telling the news is not enough*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.

20. Nathanson, S. (1993). *Patriotism, morality and peace*. Lanham, MD: Rowman and Littlefield.

21. Oldenquist, A. (1982). Loyalties. *Journal of Philosophy*, 79, 173-193.



22. Project for Excellence in Journalism. (2003). *Embedded reporters: What are Americans getting?* Retrieved April 28, 2006, from [www.journalism.org/resources/research/reports/war/embed/default.asp](http://www.journalism.org/resources/research/reports/war/embed/default.asp)

23. Rawls, J. (1993). *Political liberalism*. New York: Columbia University Press.

24. Rosen, J. (1996). *Getting the connections right*. New York: Twentieth Century Fund.

25. Scanlon, T. (1998). *What we owe to each other*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

26. Skinner, Q. (1978). *The foundations of modern political thought* (Vols. 1 and 2). Cambridge, England: Cambridge University Press.

27. Sullivan, J. (2003). *Information paper: Implications of embedded media from a strategic perspective*. Unpublished U.S. government manuscript for the Department of Defense, J-5 Strategy Division.

28. Tolstoy, L. (1987) *Writings on civil disobedience and nonviolence*. Philadelphia: New Society.

29. Viroli, M. (1995). *For love of country: An essay on patriotism and nationalism*. Oxford, England: Clarendon.

30. Viroli, M. (2002). *Republicanism* (A. Shugaar, Trans.). New York: Hill and Wang.

31. Walzer, M. (1990). What does it mean to be an "American"? *Social Research*, 57, 591-615.

32. Ward, S. (2005). *The invention of journalism ethics: The path to objectivity and beyond*. Montreal, Quebec, Canada: McGill-Queen's University Press.

